

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انزوای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران

دکتر زهرا رضایی نسب^۱، سردار فتوحی^۲

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در انزوای اجتماعی بوده و در پی تبیین عوامل مؤثر بر این تفاوت‌هاست. روش پژوهش به کار گرفته شده پیمایشی بوده و نمونه‌ی جامعه‌ی آماری شامل ۳۰۰ نفر (۱۸۱ نفر مرد، ۱۱۹ نفر زن) از ساکنان در شهر تهران، که ۶ منطقه (مناطق ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و از هر منطقه ۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه‌ی استاندارد در قالب ۲۷ گویه استفاده شد که اعتبار آن با استفاده از اعتبار صوری و اعتبار محتوایی و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. پس از استخراج نتایج پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS، محاسبات آماری برای یافتن رابطه‌ها، تفاوت‌ها و تبیین میان متغیرها با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس دوطرفه، رگرسیون چند متغیره و آزمون T انجام گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که جنسیت با برخی از مؤلفه‌های انزوای اجتماعی (تنوع در روابط و منابع حمایتی در روابط) رابطه‌ی معناداری داشته، ولی با شاخص کل انزوای اجتماعی که از مجموع این مؤلفه‌ها به دست آمده؛ رابطه‌ی معناداری نداشته است. همچنین وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل (دانشجو بودن یا شاغل بودن، تحصیلات بالا و مجرد بودن) عوامل مؤثری بر کاهش انزوای اجتماعی

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه ایلام z.rezaeinasab@ilam.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات اجتماعی- فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری fotohis@yahoo.com

بودند.

کلیدواژه: انزوای اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی، شبکه‌ی اجتماعی

مقدمه و طرح مسأله

تماس‌ها و ارتباطات اجتماعی از اهمیت زیادی برای رفاه فردی و جمعی مردم برخوردار است. ارتباطات اجتماعی نیاز اولیه‌ی بشر را تشکیل می‌دهد و منبع قابل توجهی از پشتیبانی لازم برای یکپارچه‌سازی و ثبات و تعهد متقابل از افراد در جامعه است اما ارتباطات و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، باعث تغییر و دگرگونی در شیوه‌های زندگی، کار، تفریح، تعامل اجتماعی و تکوین جهان‌بینی‌ها شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۵: ۱۵۸). همچنین رواج ارزش‌های گوناگون، قرار گرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، انسان امروزی را در چنان از خود بیگانگی فرو برده؛ که خود را به فراموشی سپرده است. شخصیت انسان امروزی معجونی است از کثرت ارزش‌ها و هنجارهای ناهمخوان که او را در کشاکش مسیرهای زندگی به حیرانی کشانده است. تحولات سریع اجتماعی و فرهنگی، احساس بی‌قدرتی سیاسی و گرفتار شدن در روند اقتصاد جهانی، شخصیت انسان امروزی را در چنان بی‌ثباتی قرار داده که نمی‌داند «کیست» و «چه می‌خواهد» و «به کجا می‌رود» (اکبری، ۱۳۹۰: ۲-۵) بنابراین با توجه به کثرت هویت‌های کسب شده توسط فرد، فردگرایی و تکه تکه شدن اجتماع در جوامع مدرن، ارتباطات اجتماعی تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفته است. چنین فضایی باعث گردیده تا ماهیت روابط اجتماعی دگرگون و باعث شکل‌گیری زندگی منزوی گروهی از افراد شود. با توجه به وضعیت پیشرفت و ارتباطات ایران، بخصوص در کلان‌شهرهایی مانند تهران، روابط اجتماعی دگرگون و باعث شکل‌گیری زندگی جدیدی در افراد شده است که این زندگی جدید به تنهایی و انزوای اجتماعی افراد منجر شده است. به طوری که بر مبنای پژوهش سیف زاده و همکاران (۱۳۹۶)، ۶۲ درصد بزرگسالان دارای انزوای اجتماعی بالای بوده‌اند و بر مبنای پژوهش محمدی جو (۱۳۹۲)، در بین دانشجویان ۲۲/۵ درصد دارای انزوای پایین، ۶۱/۵ درصد انزوای اجتماعی متوسط و ۱۶ درصد دارای سطح

بالایی از انزوای اجتماعی بوده‌اند بنابراین می‌توان انتظار داشت که با مدرن شدن جامعه، افراد منزوی افزایش، و با پیامدهای ویژه‌ی آن، جامعه به سمت خاصی هدایت خواهد شد. مطالعه‌ی متغیرهای انزوای اجتماعی و تنهایی و در ادامه رابطه‌ی تفاوت‌های جنسیتی با آن، واجد اهمیت زیادی است زیرا تهران به عنوان یک کلان‌شهر، با وسعت جغرافیایی بالا و تراکم جمعیتی بسیار زیاد و تجانس فرهنگی کم، زمینه را برای انزوای اجتماعی افراد فراهم می‌کند. می‌توان گفت که کلان‌شهرها، شبکه‌های اجتماعی محلی و فرا محلی را دچار تغییرات می‌کند؛ تراکم جمعیتی و ناهمگونی در این نواحی، افراد را در برقراری روابط با دیگران که شناختی از آنها ندارند، دچار تردید می‌کند و ناامنی مبتنی بر نبود اعتماد اجتماعی در فضای روابط شهری بر شدت این مسأله افزوده و از توسعه‌ی شبکه‌های ارتباطی جلوگیری کرده و جامعه‌ی شهری را در انزوا فرو می‌برد. با توجه به ویژگی‌های شهر تهران، به نظر می‌رسد انزوای اجتماعی، بر حسب تفاوت‌های جنسیتی، ما را به شناخت بهتر هدایت خواهد نمود زیرا از یک سو با ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی مختلف، به ویژه کار دستمزدی در خارج از خانه و نیز حضور آنان در سازمان‌ها و ادارات در قلب مادرشهرهای امروزی (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲۹-۲۳۰)، و از سوی دیگر با وجود یک بستر اجتماعی سنتی، روابط اجتماعی زنان متأثر از فرایند اجتماعی شدن آنان است. برایان^۱ می‌گوید «تأثیرات اجتماعی شدن جنسیتی در زنان به سادگی در روابط اجتماعی آنان دیده می‌شود. از زنان انتظار می‌رود که گرم، لطیف، مؤثر و دارای جهت‌گیری خانوادگی باشند» (برایان، ۲۰۰۱: ۵). که می‌توان آن را تبعیض علیه زنان دانست که در حوزه‌های مختلف جامعه مثل خانواده، مدرسه، نظام شغلی مطرح می‌شود. تفکیک در حوزه‌ی عمومی، فرصت و شانس دستیابی به پیوندهای متنوع و برقراری ارتباط با افراد مختلف را از زنان می‌گیرد و از طرف دیگر تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه و فرهنگ که نقش مادری و خانه داری را نقش اولیه و مسؤولیت عمده‌ی زنان می‌شمرد، موجب شده که زنان نتوانند در صحنه‌های

مختلف جامعه و فعالیت‌های اجتماعی به طور فعال، حاضر شوند و از بسیاری فرصت‌ها محروم می‌مانند. این تفکیک‌ها و نابرابری‌های جنسیتی بین زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات فردی آنان نیز تأثیر می‌گذارد و زنان و مردان را به شبکه‌های اجتماعی متفاوت و نوع متفاوتی از روابط سوق می‌دهد.

پس به نظر می‌رسد شبکه‌های روابط و انزوای اجتماعی در زنان و مردان متفاوت باشد، که این ویژگی‌ها و علل آنها بر مبنای جنسیت مبهم مانده است.

با این مقدمات می‌توان گفت، هدف از پژوهش حاضر، بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان به لحاظ انزوای اجتماعی و عوامل تشدیدکننده‌ی این تفاوت‌ها در شهر تهران است. سؤالات اساسی این تحقیق عبارت است از:

- آیا جنسیت عامل تبیین تفاوت‌ها به لحاظ انزوای اجتماعی است؟
- آیا در بین زنان و مردان از لحاظ اندازه، تنوع روابط و میزان منابع موجود در شبکه‌ی روابط آنها تفاوتی وجود دارد؟
- در صورتی که این تفاوت از لحاظ روابط و انزوای جنسیتی بین زنان و مردان وجود دارد، چه عواملی این تفاوت را تشدید می‌کنند؟

پیشینه‌ی تجربی پژوهش:

امروزه تأکید اندیشمندان جهان در پژوهش‌های مربوط به انزوای اجتماعی، بیشتر بر علل و پیامدهای انزوای اجتماعی، و در قالب پژوهش‌های جامعه‌شناختی معطوف است و اغلب پژوهش‌های انجام شده، در بین سالمندان صورت گرفته است. در جامعه‌ی ایران نیز موضوع انزوای اجتماعی کمتر مورد توجه پژوهشگران (بعد اجتماعی) بوده است. و پژوهش‌های نادری که صورت گرفته، یا به علل انزوای اجتماعی یا به توصیف تفاوت‌های جنسیتی پرداخته است و تاکنون پیوندی در میان توصیف تفاوت‌ها و علل این تفاوت‌ها انجام نشده است. پژوهشی با عنوان «تنهایی و نه تنها بودن: انزوای احساسی و انزوای اجتماعی به عنوان دو بعد متمایز از احساس تنهایی در کهنسالان» توسط بارسن و همکاران، در سال ۲۰۰۱ انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین احساس تنهایی (انزوای

اجتماعی، انزوای احساسی) و متغیرهای مستقل بر آن رابطه وجود دارد که در سطح فردی شامل: نداشتن شریکی در زندگی، نداشتن مهارت در برقراری ارتباط، فقدان اعتماد به نفس کافی و ارزیابی نادرست از عمل خود است و در سطح اجتماعی به ویژگی‌های فضایی مربوط است که شخص عضوی از آن است اما شبکه‌ی اجتماعی فرد، از او حمایت لازم را به عمل نمی‌آورد و او را به حال خود رها می‌کند. پژوهشی با عنوان «انزوای اجتماعی: یک مانع یادگیری در مدارس ابتدایی» در آفریقای جنوبی انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین انزوای اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد (بستر و بادال، ۲۰۰۱). پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی» در بین شهروندان تهرانی و کرمانی بدون توجه به جنسیت انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای سطح توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی منطقه و ثبات ساکنان در سطح ساختی و اعتماد، امنیت و تعدد گروه‌ها و هویت‌ها در سطح فردی اثرات مؤثر و معناداری بر انزوای اجتماعی دارند (چلبی و امیرکافی، ۱۳۸۳). پژوهشی نیز درباره‌ی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران انجام شده است. نتایج به دست آمده رابطه‌ی معنادار و معکوسی را میان زمان استفاده از اینترنت در طول شبانه‌روز و انزوای اجتماعی نشان می‌دهند. به عبارتی استفاده‌ی اجتماعی از اینترنت، موجب کاهش انزوای اجتماعی می‌گردد (محسنی و همکاران، ۱۳۸۵). در جدیدترین پژوهش مدرسی یزدی و همکارانش (۱۳۹۶) به بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر آن از جمله باورهای سنتی و برداشت از خود پرداخته‌اند؛ نتایج نشان می‌دهد که درجه‌ی انزوا در بین دختران بالای ۳۰ سال نسبتاً زیاد است و دو متغیر باورهای سنتی و نوع برداشت از خود در مجموع دارای بیشترین تأثیر بر میزان انزوای اجتماعی بوده‌اند که بیشترین تأثیر، مربوط به متغیر برداشت از خود بوده است.

همچنین پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر انزوای اجتماعی جوانان در شهر همدان» صورت گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد بین

متغیرهای جمعیت‌شناسی (سن، تحصیلات، شغل، وضعیت تأهل) و انزوای اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد (ابراهیمی مقدمیان، ۱۳۸۱). در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور تفاوت‌های جنسی مورد بررسی واقع نشده است. در زمینه‌ی تفاوت‌های جنسیتی در شبکه‌ی روابط و انزوای اجتماعی در خارج از کشور، مهم‌ترین تحقیق، تحقیق «مور» است که بر اساس نتایج به دست آمده؛ شبکه‌ی روابط زنان و مردان از نظر ترکیب با هم متفاوتند؛ ولی از نظر اندازه تا حدودی شبیه به هم هستند. وی اظهار می‌کند که شبکه‌های مردان بیشتر شامل همکاران، دوستان و مشاوران است در حالی که شبکه‌های زنان بیشتر ارتباطات فامیلی، همسایگی و خانوادگی را در بر می‌گیرد. مردان به علت اینکه درگیر مشاغل رسمی هستند، شبکه‌های آنان رسمی‌تر از شبکه‌های زنان است و بیشتر شامل همکاران و کمتر شامل خویشاوندان است؛ در مقابل، شبکه‌های زنان غیررسمی‌تر بوده و خویشاوندان بیشتری را نسبت به شبکه‌های مردان در بر می‌گیرد. تئوری‌های رقیب نیز برای تبیین این تفاوت در ترکیب شبکه، مورد استفاده قرار گرفته است که معتقدند مردان و زنان با توجه به افرادی که با آنها در ارتباطند و شبکه‌ی آنان را تشکیل می‌دهند، امیال و گرایش‌های متفاوتی دارند. زنان بیشتر تمایل دارند تا پیوندهای نزدیک و صمیمی‌تری با خویشاوندان و پیوندهای غیر خانوادگی کمتری داشته باشند و مردان گرایش دارند تا پیوندهای بیشتری در بیرون خانواده برقرار کنند (مور، ۱۹۹۰). تحقیقی تجربی در داخل کشور که نزدیک‌ترین پژوهش به تحقیق حاضر است با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی اجتماعی زنان و مردان در تهران» توسط سوسن باستانی انجام گرفته است. در این تحقیق، تأثیر جنسیت و متغیرهای زمینه‌ای بر شبکه‌ی روابط مورد آزمون قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری را افراد ۱۸ سال به بالای تهران با حجم نمونه‌ی ۳۲۰ نفر تشکیل می‌دهد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شبکه‌های زنان و مردان از نظر ساخت (اندازه و ترکیب شبکه) تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای ندارند، اما از نظر خصوصیات تعاملی و کارکردی متفاوتند. زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت (مالی و اطلاعاتی) را

فراهم می‌کنند. افراد شاغل و متأهل سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری دارند؛ آنچه که شبکه روابط زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که زنان و مردان دارند و ناشی از نابرابری‌های جنسیتی و عدم توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها در جامعه است (باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۳).

چهارچوب نظری

افراد و گروه‌ها به طور دائم با یکدیگر کنش متقابل دارند. این نوع ارتباطات چندجانبه به صورت شبکه‌ی اجتماعی سازمان می‌یابند، یعنی شبکه‌ی روابطی که فرد را مستقیم و غیر مستقیم به سایر مردم پیوند می‌دهد (رابرتسون، ۱۳۷۴، ۱۵۴). تأکید اصلی نظریه‌ی شبکه بر طیف گسترده‌ای از ساختارهای خرد و کلان است؛ به این معنا که از دیدگاه نظریه پردازان شبکه، کنشگران می‌توانند آدم‌ها باشند، ولی گروه‌ها، اصناف و جوامع را نیز می‌توان کنشگر به شمار آورد. پیوندهای اجتماعی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان می‌توانند عمل کنند. گرانویتز^۱ پیوندهای سطح خرد را به عنوان کنش‌هایی در نظر می‌گیرد که در روابط شخصی روزانه و ساختارهای حاکم بر این روابط، عجین شده‌اند که اساسی‌ترین آن، مربوط به این فکر است که هر کنشگر می‌تواند دسترسی متفاوتی به منابع ارزشمند جامعه از جمله ثروت، قدرت و جامعه داشته باشد؛ در نتیجه این وضع است که نظام‌ها به قشربندی شدن گرایش دارند، به گونه‌ای که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این نظام‌ها با یکدیگر وابستگی متقابل دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۵۷۷). شبکه‌ی تماس‌های یک فرد، کارکردهای حیاتی بسیاری را انجام می‌دهد، از جمله در جهت یک کار خاص، یا حل یک مسأله معین، به شخص کمک کند و یا می‌تواند واسطه‌های تماسی را برای کسب اطلاع و یا فرستادن پیام در اختیار شخص قرار دهد. نوک و کوکسینسکی دو وجه عمده برای شکل رابطه‌ی^۲ قائل هستند: شدت یا استحکام ارتباط^۳ بین دو کنشگر؛ میزان

1 -Granovetter

2 -relational form

3 -link

درگیری مشترک^۱ در فعالیت‌های یکسان. آنها همچنین محتوای رابطه^۲ را به چند نوع تقسیم می‌کنند. گرچه اذعان دارند که این طبقه‌بندی ضرورتاً جامع و مانع نیست که عبارتند از:

- ۱- روابط معاملاتی: در این نوع رابطه افراد کنشگر روابط خود را بر وسایل فیزیکی و نمادی رد و بدل می‌کنند، مثل خرید و فروش اقتصادی مابین کنشگران.
- ۲- روابط عاطفی: روابط احساسی عشقی و علاقه‌ای بین دو یا چند کنشگر
- ۳- روابط سببی: روابطی که بین اعضای شبکه‌ی خویشاوندی با توجه به نقش‌ها وجود دارد.
- ۴- روابط اقتدار: روابط بین کنشگران بر اساس فرمانداری و فرمانبری، که بر اساس زور، قانون، حق و رفع تکلیف براساس قدرت هنجاری و اقتدار اخلاقی.
- ۵- روابط ارتباطی: اتصالات بین کنشگران از طریق کانال‌هایی که از طریق آن اطلاعات از کنشگری به کنشگری دیگر در سیستم ارتباطی منتقل می‌گردد.
- ۶- روابط ابزاری: رابطه بین کنشگران به دلیل کسب منابع با ارزشی چون: کالا، خدمات و اطلاعات است (امیر کافی، ۱۳۸۳، ۷۱).

قضیه‌ی اساسی نظری در تئوری شبکه این است که جامعه‌ی شهری مدرن بی‌سازمانی نیست و تبدیل به بی‌سازمانی نیز نخواهد شد، اگرچه تغییرات مهمی در خصایص جامعه به وجود آمده است اما این تغییرات نه باعث بی‌نظمی بلکه جایگزینی برای تغییر سازشکاری^۳ برای نظم اجتماعی است. نظریه‌پردازان شبکه معتقدند که نظم اجتماعی در حال تغییر، باعث انزوای اجتماعی، گمنامی، تنهایی و آنومی و... نمی‌شود؛ انزوای اجتماعی در نظر نظریه‌پردازان شبکه، حالت یا وضعیتی است که در آن شخص فاقد پیوندهای کافی برای جذب حمایت و منابع اجتماعی است. بر این اساس انزوای اجتماعی شامل دو بعد:

1 -joint involvement
2 -relational content
3 -adaptive change

- دامنه‌ی شبکه‌ی فرد: بعد اول به شبکه‌ی اجتماعی درباره‌ی فرد یا به عبارت دیگر به دامنه‌ی شبکه‌ی فرد مربوط است که دامنه‌ی شبکه شامل اندازه‌ی شبکه‌ی فرد و تنوع نهفته در آن است. گستره‌ی شبکه در قالب واژگان و اصطلاحات شبکه، متغیر است؛ به عبارتی می‌توان گفت بعضی از شبکه‌ها گسترده‌تر و دوام و پایداری بیشتری نسبت به دیگر شبکه‌ها دارند. آنها در ماهیت پیوندها در میان مشارکت‌کنندگان از هم متمایزند. پیوندها ممکن است چند سطحی، چند رشته‌ای یا دارای هدف متعدد باشند یا می‌توانند دارای اهداف یگانه یا تک‌لایه‌ای باشند (امیر کافی، ۱۳۸۳، ۷۵). شبکه‌ها از نظر تراکم با هم متفاوت هستند، وضعیتی که همه‌ی اعضا در آن با هم در ارتباط هستند.

- منابع اجتماعی موجود در شبکه: بعد دوم انزوای اجتماعی مربوط به میزان حمایتی است که شبکه‌ی اجتماعی فرد، امکان تأمین آن را برای فرد فراهم می‌کند؛ این منابع در قالب برآوردن نیازهای عاطفی و احساسی، کمک‌های مالی، ارتباطی، کمک‌ها به مثابه‌ی راهنمای یک زندگی بهتر، روابط ارتباطی غیر ابزاری (گلدنبرگ، ۱۹۹۷: ۱۶۹).

در جامعه‌ی روستایی بسیاری از مردم به شبکه‌هایی با مقیاس کوچک، بادوام و متراکم تعلق داشتند و در جوامع شهری شبکه‌ی روابط حجیم‌تر ولی دوام آن کمتر است و منابع موجود در آن کمتر است، البته امروزه با ورود اینترنت به مناطق روستایی، افرادی در داخل شبکه‌های گسترده‌تر نیز قرار گرفته‌اند و همانند جامعه‌ی شهری شده است (امیر کافی، ۱۳۸۳، ۷۵).

به دنبال چنین توصیفی، نظریه‌پردازان شبکه به طرح سؤالات مشروط می‌پردازند به عنوان مثال: تحت چه شرایطی بعضی از افراد منزوی می‌شوند و بعضی دیگر نمی‌شوند؟ برای چه کسانی شهر بیگانه‌کننده است و برای چه کسانی این ویژگی را دارا نیست؟ چه کسانی با هم ارتباط و پیوند دارند با چه شیوه‌ای؟ با چه هدفی؟ تحت چه شرایطی روابط ایجاد می‌شود و تغییر می‌یابد یا دچار فروپاشی می‌شود؟ در این زمینه به هنجارهای

اجتماعی بیش از هر چیزی تأکید دارند؛ به عنوان مثال زمانی که هنجارهای اجتماعی مبتنی بر زنانگی و مردانگی است، جنسیت یکی از عوامل مهم در تفکیک انزوای اجتماعی افراد می‌شود زیرا در جامعه‌ی ایران تفاوت‌هایی در اندیشه‌ها، روابط و عملکرد زنان و مردان وجود دارد، که ابتدا باید تفاوت بین جنس و جنسیت آشکار گردد. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد دلالت دارد، حال آن که «جنسیت» ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه به تعیین آن کمک می‌کند و با مرد یا زن بودن و به اصطلاح «مردانگی» و «زنانگی» همراه است. تفاوت‌های جنسی طبیعی هستند؛ اما تفاوت‌های جنسیتی ریشه در فرهنگ دارند نه در طبیعت و از این رو تغییرپذیرند. تمایزهای جنسیتی با تشکیل چهارچوبی بی‌چون و چرا که جامعه از دریچه‌ی آن به زن و مرد می‌نگرد، به جنبه‌های زندگی افراد شکل می‌دهند (آبرکرابی و نیکلاس، ۱۳۶۷). تمایز بین جنس و جنسیت تمایزی اساسی است، زیرا بسیاری از تفاوت‌های میان زنان و مردان دارای منشأ بیولوژیکی نیستند و از طریق یادگیری اجتماعی و در جریان جامعه‌پذیر شدن شکل می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۷۵).

استفانی گرت^۱ در کتاب «جامعه‌شناسی جنسیت» عنوان می‌کند که عرصه‌ی کار، سیاست، آموزش و ... قوانینی که در تأیید نابرابری‌های جنسیتی تدوین و اجرا می‌شوند، سبب خانه‌نشینی گروه کثیری از زنان و دختران توانمند شده است. گرت معتقد است تفاوت‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت کاملاً ساخته‌ی ذهن انسان است و تحلیل آن نیز از منظرهای گوناگون امکان‌پذیر است؛ تحلیلی مبتنی بر کنکاش در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. این نوع نگرش کاملاً مقابل دیدگاه کسانی است که از عوامل زیست‌شناختی برای توجیه تبعیض جنسی سود جسته‌اند و برای مثال می‌گویند اندازه‌ی کوچک‌تر مغز زنان، نشان ضعف فکری آنان نسبت به مردان است و با چنین دیدگاهی برخوردهای نابرابر و اعطای فرصت‌های شغلی و تحصیلی به مردان را موجه جلوه داده‌اند. مقوله‌ی جنسیت در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی، علوم

اجتماعی، سیاست، اقتصاد و... جای خود را به خوبی باز کرده و از همین رو تأثیرات مختلفی در این تحقیقات بر جای گذاشته و خواهد گذاشت. پسر یا دختر به دنیا آمدن پیامد مهمی برای همه‌ی جنبه‌های زندگی خواهد داشت؛ از انتظاراتی که دیگران در جامعه از فرد دارند، تا رفتار دیگران و رفتار خود فرد. این امر صرف نظر از جامعه‌ای که فرد در آن متولد می‌شود، در همه جا صادق است؛ هرچند در جوامع گوناگون تفاوت‌هایی از این نظر دیده می‌شود (گرت، ۱۳۷۹: ۹). در تحقیق ولمن (۱۹۸۸)، این مسأله از طریق این واقعیت تأیید می‌شود که شبکه‌های اجتماعی مردان و زنان از ریشه و اساس با هم متفاوت نیستند و اگر برخی وقایع زندگی مثل وضعیت تأهل، تحصیلات، سن، بچه‌داری و شغل کنترل شوند؛ تفاوت‌های جنسیتی شبکه از بین می‌رود یا حداقل کاهش می‌یابد. شرایط و رویدادهای متفاوت، بر تغییرات در روابط تأثیر می‌گذارد و این چرخه‌ی زندگی زنان و مردان و شرایط خاص زندگی زنان است که روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارتوسیسی: ۲۰۰۴: ۴). بنابراین زنان با ازدواج و بچه‌داری بیشتر وقت خود را در درون خانه گذاشته و در روابط با خویشاوندان خود بوده و بیشتر منزوی هستند. در نتیجه زنان با افزایش سن بیشترین وقت خود را صرف بچه‌داری و خانه‌داری می‌کنند. افراد شاغل به دلیل سروکار داشتن با همکاران و مردم، بیشتر روابطشان با غیرخویشاوندان است و محدوده‌ی آشنایان و دوستانشان بزرگتر و متنوعتر است. با توجه به آنچه در چهارچوب نظریه‌ها بیان شده است، می‌توان فرضیه‌های تحقیق را بدین گونه بیان کرد که:

- ۱- بین زنان و مردان از لحاظ شبکه‌ی روابط یا انزوای جنسیتی تفاوت وجود دارد.
- بین زنان و مردان از لحاظ اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی (بُعد انزوای اجتماعی) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین زنان و مردان از لحاظ تنوع شبکه‌ی روابط (بُعد انزوای اجتماعی) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین زنان و مردان از لحاظ میزان حمایت اجتماعی شبکه (بُعد انزوای اجتماعی)

تفاوت معناداری وجود دارد.

۲- متغیرهای جمعیت‌شناسی (وضعیت تأهل، سن، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال) بر تفاوت انزوای زنان و مردان تأثیر دارند.

روش تحقیق: روش به کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع مطالعات تبیینی-مقایسه‌ای و روش پیمایشی است که از طریق مقایسه‌ی زنان و مردان در شهر تهران انجام شده و تفاوت‌های جنسیتی در مؤلفه‌های انزوای اجتماعی مورد بررسی و آزمون قرار گرفته شده است.

نمونه و جامعه‌ی آماری: نمونه‌ی آماری شامل ۳۰۰ نفر از زنان و مردان شهر تهران، که ۱۸۱ نفر از آنها مرد و ۱۱۹ نفر دیگر زن بوده‌اند است. چهارچوب جامعه‌ی آماری شامل زنان و مردان شهر تهران است که سن آنها از ۱۲ سال به بالا بوده‌اند و از طریق دو روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ و نمونه‌گیری غیراحتمالی اتفاقی^۲ انتخاب شده‌اند. ابتدا از طریق نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از میان ۲۲ منطقه‌ی شهرداری شهر تهران، ۶ منطقه (مناطق ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۲) به عنوان نمونه انتخاب گردید که در بین هر یک از مناطق انتخاب شده، ۵۰ نفر و در مجموع ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه با استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی اتفاقی انتخاب گردید، ۱۸۱ نفر از آنها مرد و ۱۱۹ نفر دیگر زن بوده‌اند. علت انتخاب ۵۰ نفر در هر منطقه، تفاوت و تنوع مناطق مختلف از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و امکانات رفاهی بوده است زیرا برای تعمیم دهی نتایج باید سعی شود در همه‌ی گروه‌ها و اقشار مختلف شهر تهران نمونه‌گیری شود که در پژوهش حاضر تلاش بر آن بود که به طبقات و گروه‌های مرفه و با منزلت شهر تهران منحصر نشود.

ابزار تحقیق: ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بوده است؛ پس از استخراج نتایج پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS از طریق آزمون t و تحلیل واریانس دوطرفه، انزوای اجتماعی آنان توصیف و تشریح شد، سپس برای

1 Stratified Random Sampling

2 - Accidental Sampling

شناخت علل تفاوت‌ها، از محاسبات آماری رگرسیون چندگانه، آزمون متغیرهای جمعیت‌شناختی استفاده شد. برای سنجش انزوای اجتماعی، دامنه‌ی شبکه‌ی اجتماعی فرد و میزان منابع موجود در شبکه مورد سنجش قرار گرفته است. در مجموع می‌توان گفت انزوای اجتماعی در قالب ۲۲ سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. تنها یک سنجه‌ی اندازه‌ی شبکه‌ی اجتماعی فرد بر اساس فاصله‌ای بوده است که در آن از نمونه‌های پژوهش پرسش شده «تعداد افرادی که با آنها دارای روابط دوستانه و صمیمی هستید؟». ابعاد تنوع و میزان حمایت در شبکه‌ی اجتماعی فرد، در سطح متغیر ترتیبی در ۵ طیف به صورت: هیچ‌گاه، به ندرت، گاهی اوقات، اکثر اوقات و همیشه بوده است^۱ که گویه‌های آن به شکل معرف‌ها در جدول (۱) از نمونه‌های پژوهش پرسش شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها: در این پژوهش متغیرهای پژوهش به شرح زیر عملیاتی شده و به صورت پرسشنامه استخراج گردید.

الف) انزوای اجتماعی (متغیر وابسته): انزوای اجتماعی را می‌توان حالت یا وضعیتی بیان کرد که در آن شخص فاقد پیوندهای کافی برای جذب حمایت و منابع اجتماعی است. بر این اساس انزوای اجتماعی شامل دو بُعد است: بُعد اول به شبکه‌ی اجتماعی پیرامون فرد یا به عبارت دیگر دامنه‌ی شبکه‌ی فرد است که دامنه‌ی شبکه شامل: اندازه‌ی شبکه‌ی فرد و تنوع نهفته در آن است و بعد دوم مربوط به میزان حمایتی است که شبکه‌ی اجتماعی فرد، امکان تأمین آن را برای فرد فراهم می‌کند.

در هر سنجه بالاترین امتیاز (۵) بیانگر «انزوای پایین» و پایین‌ترین امتیاز (۱) بیانگر «انزوای اجتماعی بالا» است. در جدول (۱) ابعاد و سنجه‌های متغیر انزوای اجتماعی بیان شده است.

جدول (۱): ابعاد و معرف‌های انزوای اجتماعی

مفهوم	ابعاد	معرف‌ها	تعدادسنجه
انزوای	دامنه‌ی	تعداد دوستان	۱ سنجه
	اندازه‌ی شبکه		

۱- لازم به ذکر است سنجه‌های انزوای اجتماعی از پایان‌نامه‌ی دکتری (امیر کافی، ۱۳۸۳) اخذ گردیده است.

اجتماعی	شبکه اجتماعی فرد	تنوع شبکه	تنوع دوستان از حیث جنسیت، اعتقادات، قومیت و...	۹ سنجه
میزان منابع موجود در شبکه	حمایت عاطفی	همدردی هنگام برخورد با مشکلات		۱۲ سنجه
	مشورت و راهنمایی	مشاوره دادن و مشاوره کردن دوستان		
	کمک مالی	قرض دادن و قرض گرفتن در صورت لزوم		
	همراهی و معاشرت	رفتن به تفریح و گردش با دوستان		
	خدمات (متقابل فرد و دیگران)	قرض دادن وسیله‌ی نقلیه به هنگام نیاز		

با وجود آنکه پرسشنامه استاندارد بوده است و اعتبار و پایایی آن قبلاً مورد تأیید واقع شده بود ولی برای اطمینان بیشتر اعتبار و پایایی آن مورد سنجش واقع شد. اعتبار این پرسشنامه به دو صورت اعتبار صوری و اعتبار محتوایی بوده است؛ اعتبار صوری مبنا داوری متخصصان رشته‌های علوم اجتماعی، علوم جغرافیا، علوم روانشناسی بوده است و روایی محتوایی^۱ مبتنی بر روش لاوشه^۲ بود که ۱۰ نفر از متخصصان رشته‌های علوم اجتماعی، علوم جغرافیا، علوم روانشناسی، پرسشنامه را مورد ارزیابی قرار دادند. از این متخصصان خواسته شد تا هر یک از گویه‌ها را بر اساس طیف سه بخشی لیکرت «گویه ضروری است» (نمره ۱۰)، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» (نمره ۵) و «گویه ضرورتی ندارد» (نمره ۰) طبقه‌بندی کنند. نباید مقدار CVR برای هر گویه کمتر از ۰/۷۰ باشد بنابراین هر یک از گویه‌های پژوهش برای سنجش متغیرهای مذکور قابل پذیرش بوده‌اند.

همچنین برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. همانطور که در جدول شماره‌ی (۲) ملاحظه می‌شود، میزان آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها بالا بوده و برای سنجش متغیرها در حد قابل پذیرشی هستند.

1 - content validity ratio

2 CVR

جدول (۲): میزان آلفای کرونباخ هر یک از مؤلفه‌های انزوای اجتماعی

مقدار alpha	متغیر
۰/۶۸	دامنه‌ی شبکه‌ی اجتماعی فرد
۰/۷۴۷	میزان منابع موجود در شبکه

ب) جنسیت: از آنجا که هدف این پژوهش بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انزوای اجتماعی است؛ جنسیت، در قالب متغیر اسمی دو شقی (مرد و زن) تقسیم شده است و در نمونه‌گیری آن سعی شده است از زنان و مردان هر منطقه استفاده و البته شرط تنوع افراد تا حد امکان رعایت شود.

ج) متغیرهای جمعیت‌شناسی به عنوان متغیرهای مستقل:

- سن: برای سنجش این متغیر از سطح سنجش فاصله‌ای استفاده شد که در پژوهش حاضر به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است.

- سطح تحصیلات: برای سنجش این متغیر از پنج مقطع تحصیلی در سطح سنجش ترتیبی استفاده و به عنوان متغیر مستقل بر انزوای اجتماعی در نظر گرفته شده است.

- شغل: برای سنجش این متغیر از سه دسته شامل: شاغل، غیر شاغل (بیکار، بازنشسته، خانه‌دار) و محصلان (دانش‌آموزان و دانشجویان و سربازان نیز به دلیل تشابه محیط ارتباطی در این گروه سنجیده شد) در سطح سنجش ترتیبی استفاده و به عنوان متغیر مستقل بر انزوای اجتماعی در نظر گرفته شد.

- وضع تأهل: این متغیر نیز به عنوان متغیر مستقل و در سطح متغیر اسمی دوشقی (مجرد، متأهل) سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش: بخش اول: نتایج توصیفی تحقیق

متغیرهای جمعیت‌شناختی «تفاوت‌های جنسیتی در انزوای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» بر اساس پرسشنامه‌ی سازمان‌یافته از ۳۰۰ نفر از افراد در شهر تهران به دست آمده است. توزیع افراد نمونه‌ها بر حسب متغیرهایی که سنجش آنها به صورت ترتیبی و اسمی (که به تفکیک جنسیت (زن، مرد) است) در جدول (۳) قابل مشاهده است.

- در این پژوهش ۶۰/۳ درصد از نمونه‌ها مرد، و ۳۹/۷ درصد زن بوده‌اند.

- نمونه‌های پژوهش ۷۰/۳ درصد مجرد و ۲۹/۷ درصد متأهل بوده‌اند که در مجموع مردان مجرد ۴۴/۳ درصد، زنان مجرد ۲۶ درصد، مردان متأهل ۱۶ درصد و زنان متأهل ۱۳/۷ درصد از کل نمونه‌های پژوهش را تشکیل می‌دهند.

- سطح تحصیلات نمونه‌های پژوهش، از مجموع آنها ۵/۷ درصد بیسواد و ابتدایی (۲ درصد مرد و ۳/۷ درصد زن)، ۱۶/۷ درصد راهنمایی (۸/۳ درصد مرد و ۸/۳ درصد زن)، از ۳۱/۷ درصد دبیرستان و دیپلم؛ ۲۲ درصد مرد و ۹/۷ درصد زن، از ۲۰ درصد فوق دیپلم و لیسانس ۱۶ درصد مرد و ۴ درصد زن و در نهایت ۲۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند که ۱۲ درصد مرد و ۱۴ درصد زن از مجموع نمونه‌های پژوهش را تشکیل داده‌اند. این توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش در جامعه‌ی آماری صورت گرفته نشان می‌دهد که سطح تحصیلات به نسبت سال‌های قبل بسیار افزایش یافته است. البته این افزایش ممکن است به این دلیل که افراد با تحصیلات بالا (بخصوص فوق لیسانس و بالاتر) که از شرایط و ویژگی‌های پژوهش اطلاع داشتند، بیشتر حاضر به پاسخگویی بوده‌اند.

جدول (۳): شاخص‌های پراکندگی متغیر مستقل و جمعیت‌شناختی پژوهش

متغیر	متغیرهای مستقل با سطح سنجش اسمی و ترتیبی		فراوانی	درصد فراوانی برحسب جنسیت	میانگین میزان انزوای اجتماعی	درصد متغیر بدون کنترل جنسیت
	مرد	زن				
جنسیت	مرد	زن	۱۸۱	۶۰/۳	۶۶/۵	۶۰/۳
			۱۱۹	۳۹/۷	۶۶/۹	۱۰۰
وضعیت اشتغال	شاغل	مرد	۸۱	۸۴/۴	۶۵/۴	۳۲
		زن	۱۵	۱۵/۶	۶۷/۵	
	غیرشاغل، بازنشسته، خانه‌دار	مرد	۲۴	۲۹/۶	۶۳/۴	۲۷
		زن	۵۷	۷۰/۴	۶۱/۳	
	محصل، دانشجو، سرباز	مرد	۷۶	۶۱/۸	۷۰/۱۱	۴۱
		زن	۴۷	۳۸/۲	۶۸	

۷۰/۳	۶۸/۲	۶۳	۱۳۳	مرد	مجرد	وضعیت تأهل	
	۶۷/۲	۳۷	۷۸	زن			
۲۹/۷	۶۱/۸	۵۳/۹	۴۸	مرد	متأهل		
	۶۶/۲	۴۶/۱	۴۱	زن			
۵/۷	۶۳/۶	۳۵/۳	۶	مرد	بیسواد، ابتدایی		سطح تحصیلات
	۶۲	۶۴/۷	۱۱	زن			
۱۶/۷	۵۸/۶	۵۰	۲۵	مرد	راهنمایی		
	۶۴/۴	۵۰	۲۵	زن			
۳۱/۷	۶۵/۹	۶۹/۵	۶۶	مرد	دیبرستان، دیپلم		
	۶۴/۸	۳۰/۵	۲۹	زن			
۲۰	۶۵/۵	۸۰	۴۸	مرد	فوق دیپلم، لیسانس		
	۶۶	۲۰	۱۲	زن			
۲۶	۷۴/۸	۴۶/۲	۳۶	مرد	فوق لیسانس و بالا تر		
	۷۱/۴	۵۳/۸	۴۲	زن			
۱۰۰	میانگین کل: ۶۶/۶	-	۳۰۰		-	مجموع	

- توزیع فراوانی نمونه‌های پژوهش در مورد وضعیت شغلی: ۳۲ درصد شاغل، ۲۷ درصد بیکار (بیکار، بازنشسته، خانه‌دار) و ۴۱ درصد محصل (دانش‌آموزان و دانشجویان) بوده‌اند. همچنین در جدول (۳) درصد و فراوانی هر یک از زنان و مردان شاغل و غیر شاغل و محصلان به تفکیک ترسیم شده است.

- همچنین حداقل سن نمونه‌های پژوهش ۱۳ سال، حداکثر ۷۵ سال و انحراف معیار آن ۱۰/۸۸ است و میانگین سنی نمونه‌ها ۲۷/۵۸ سال، که این نسبت در میان زنان ۲۵/۹۳ سال و در میان مردان ۲۸/۶۶ سال است.

بخش دوم: آزمون و تحلیل یافته‌ها

بنابر آنچه در تعریف نظری و عملیاتی متغیرها ذکر گردید، انزوای اجتماعی در سه بعد اندازه‌ی شبکه‌ی روابط، تنوع شبکه‌ی روابط و میزان منابع موجود در شبکه؛ در مجموع در قالب ۲۲ سنجه آزمون شده است که در جدول (۴) با استفاده از آزمون t ، میزان

میانگین و تفاوت هر یک از میانگین‌های زنان و مردان سنجیده شده است. و سطح معنا-داری هر کدام نشان می‌دهد که متغیرهای مورد نظر در بین زنان و مردان دارای تفاوت معناداری است.

۱- بین زنان و مردان از لحاظ شبکه‌ی روابط یا انزوآگزینی تفاوت وجود دارد.

جدول (۴): آزمون تفاوت میانگین (t) زنان و مردان از لحاظ متغیر انزوای اجتماعی

Sig.	t مقدار	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	جنسیت	متغیرهای فاصله‌ای	نوع متغیر	
۰/۸۵۲	-۰/۸	۹/۵۵	۵۶	۰	۹/۳۹	مردان	اندازه‌ی شبکه‌ی روابط (تعداد دوستان)	وابسته (انزوای اجتماعی)	
		۹/۴	۳۰	۱	۱۰/۳	زنان			
		۹/۴۹	۵۶	۰	۹/۷۵	مجموع			
۰/۰۰۹	۳/۴۵	۶/۲۱	۳۶	۱۳	۲۳/۵۳	مردان	تنوع شبکه‌ی روابط		
		۴/۹۶	۳۸	۱۳	۲۱/۱۹	زنان			
		۵/۸۵	۳۸	۱۳	۲۲/۶	مجموع			
۰/۰۲۵	-۲/۱۴۳	۷/۲۰۴	۵۵	۱۹	۳۳/۵۸	مردان	میزان منابع موجود در شبکه		
		۶/۵۱۹	۵۴	۲۳	۳۵/۴۲	زنان			
		۶/۹۸	۵۵	۱۹	۳۴/۳۱	مجموع			

فرضیه‌ی یک: بین زنان و مردان از لحاظ اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

برای سنجش وجود تفاوت معنادار اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی بین زنان و مردان، از آزمون t استفاده شد. که نمره‌ی آزمون t نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که بین دو گروه (زنان و مردان) از نظر اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود میانگین تعداد دوستان در مردان ۹/۳۹ با انحراف معیار ۹/۵۵ و در زنان ۱۰/۳ با انحراف معیار ۹/۴ بوده است؛ در نتیجه از لحاظ تعداد دوستان در بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌ی دو: بین زنان و مردان از لحاظ تنوع شبکه تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول (۴) نمره‌ی مقیاس تنوع شبکه‌ی اجتماعی افراد در مردان با میانگین ۲۳/۵۳ و انحراف معیار ۶/۲۱ و در زنان با میانگین ۲۱/۱۹ و انحراف معیار ۴/۹۶ بوده است، که با توجه به نمره‌ی آزمون $t=۳/۴۵$ و سطح معناداری ۰/۰۰۹، نتیجه‌گیری می‌شود که در بین زنان و مردان از لحاظ تنوع شبکه تفاوت معناداری وجود دارد. با این وجود فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود.

فرضیه‌ی سه: بین زنان و مردان از لحاظ میزان حمایت اجتماعی شبکه، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول (۴) نمره‌ی مقیاس میزان منابع موجود در شبکه، در مردان با میانگین ۳۳/۵۸ و انحراف معیار ۷/۲۰۴ و در زنان با میانگین ۳۵/۴۲ و انحراف معیار ۶/۵۱ بوده است که با توجه به نمره‌ی آزمون $t=-۲/۱۴۳$ و سطح معناداری ۰/۰۳، نتیجه‌گیری می‌شود که بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. با این وجود فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود. برای تحلیل آن با استفاده از آزمون t هر یک از سنجه‌هایی که مقیاس حمایت شبکه‌ی اجتماعی را مورد سنجش قرار داده‌اند، مورد بررسی قرار گرفت. در سنجه‌ی «دوستان شما در هنگام ناراحتی چقدر با شما همدردی می‌کنند؟» در بین زنان و مردان تفاوت معناداری با میزان آلفای ۰/۰۱ با مقدار $t=-۳/۲۲۶$ وجود دارد، که این نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان با دوستان همدردی می‌کنند و سنجه‌ی «تفریح و گشت و گذار با دوستان» نیز با میزان آلفای ۰/۰۱ و با مقدار $t=-۳/۱۹۸$ به دست آمد. این نشان می‌دهد که زنان اوقات فراغت خود را بیشتر از مردان با دوستان صمیمی خود سپری می‌کنند. در هر یک از سنجه‌های «مشورت دادن به دوستان» و «مشورت گرفتن از دوستان» در بین زنان و مردان تفاوت معناداری در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. زنان بیشتر از مردان، از دوستان خود مشورت می‌گیرند، اما مردان بیشتر از زنان مشورت می‌دهند. این خصلت زنان در مقایسه با مردان، نشان از قدرت تصمیم‌گیری مردان، اعتماد به نفس پایین در زنان و حفظ بعضی از ارزش‌های سنتی در زندگی شهری (تهران) بوده است و در سنجه‌ی «قرض و امانت وسایل خود به دوستان»

نیز در بین زنان و مردان تفاوت معناداری با میزان آلفای ۰/۰۱ بوده است. زنان وسایل خود را بیشتر از مردان به امانت می‌دهند. همچنین هر یک از سنجه‌های «سر زدن به خانه‌ی دوستان صمیمی» و «سر زدن دوستان صمیمی به خانه‌ی شما» در بین زنان و مردان دارای تفاوت معناداری با میزان آلفای ۰/۰۱ بوده است؛ زنان بیشتر از مردان به خانه‌ی دوستان صمیمی خود رفت و آمد می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت زنان بیشتر از مردان در شبکه‌ی روابط دوستانه‌ی خود مورد حمایت قرار می‌گیرند و در این مقیاس زنان انزوای اجتماعی کمتری نسبت به مردان دارند.

۲- متغیرهای جمعیت‌شناسی بر تفاوت انزوای اجتماعی زنان و مردان تأثیر دارند.

- فرضیه‌ی چهارم: با متأهل شدن، زنان بیشتر از مردان منزوی می‌شوند.

میزان انزوای اجتماعی در مجردها برابر با میانگین ۶۷/۸ و انحراف معیار ۱۴/۶ است؛ این میزان در متأهل‌ها با میانگین ۶۳/۸ و انحراف معیار ۱۵/۸ است که بر حسب جنسیت در میان مجردها و متأهل‌ها به تفکیک در جدول (۳) ترسیم شده است. بررسی‌های آماری این پژوهش نشان می‌دهد که میزان انزوای اجتماعی در مجردها با متأهل‌ها متفاوت است. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره‌ی F برابر با $F = ۳/۶۴$ و در سطح ۰/۰۵ معنادار است. پس میزان انزوای اجتماعی بر حسب وضع تأهل (مجرد و متأهل) دارای تفاوت معناداری است. از آنجا که بالاترین نمره در انزوای اجتماعی بیانگر انزوای پایین است بنابراین می‌توان گفت که متأهل‌ها از مجردها منزوی‌تر هستند.

جدول (۵): تحلیل واریانس دوطرفه میزان انزوای اجتماعی بر حسب جنسیت و وضع تأهل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی Df	سطح معناداری (Sig)	مقدار F
جنسیت	۱۸۴	۱	۰/۳۵	۰/۸۱
وضعیت تأهل	۸۲۳	۱	۰/۰۵	۳/۶۴
وضعیت تأهل و جنسیت	۴۳۶	۱	۰/۱۶	۱/۹۲

بر اساس آنچه از جدول بالا حاصل می‌شود بین زنان و مردان در بعضی از مؤلفه‌های

انزوای اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؛ زنان از لحاظ حمایت موجود در شبکه و مردان از لحاظ تنوع در روابط، انزوای کمتری را داشته‌اند ولی به دلیل اینکه کل مؤلفه‌های انزوا در نظر گرفته شده، این تفاوت در جدول (۵) پنهان شده است. درباره‌ی وضعیت تأهل مردان و زنان از لحاظ انزوای اجتماعی جدول (۶) ترسیم شده است که اثر متقابل وضعیت تأهل و جنسیت بر میزان انزوای اجتماعی معنادار نشده است بنابراین فرضیه‌ی پژوهش رد می‌شود زیرا با ازدواج میزان انزوای اجتماعی مردان بیشتر می‌شود ولی در وضعیت زنان چندان تفاوتی حاصل نمی‌شود و ازدواج عامل تشدیدکننده‌ی انزوای زنان نیست ولی در مردان بسیار مؤثر است.

جدول (۶): نتایج آزمون پسین درباره‌ی میزان انزوای اجتماعی بر حسب جنسیت و تأهل

آزمون پسین	جنسیت، تأهل	مردان مجرد	مردان متأهل	زنان مجرد	زنان متأهل	میانگین انزوا
آزمون L.S.D	مردان مجرد	-	S=۰/۰۰۰	S=۰/۷۸	S=۰/۳۲	۶۸/۲
	مردان متأهل	M=۰/۷۳	-	S=۰/۰۰۴	S=۰/۰۰۶	۶۱/۸
	زنان مجرد	M= ۰/۲۱	M= ۰/۶۲	-	S=۰/۶۳۱	۶۷/۲
	زنان متأهل	M= ۰/۲۵	M= ۰/۴۸	M= ۰/۱۶	-	۶۶/۲

نکته: S به معنای معناداری (sig) و m به معنای تفاوت میانگین (mean diffrent)

- **فرضیه‌ی پنجم:** با افزایش سطح تحصیلات، تفاوت انزوای اجتماعی زنان و مردان کاهش می‌یابد.

نتایج به دست آمده در مورد رابطه‌ی مقاطع تحصیلی و انزوای اجتماعی مبین آن است که میانگین انزوای اجتماعی افراد با تحصیلات ابتدایی و بیسواد برابر با ۶۲/۵۸، در بین افراد با تحصیلات راهنمایی ۶۱/۵۴، تحصیلات دبیرستان و دیپلم برابر با ۶۵/۶۱، افراد یا تحصیلات کاردانی و کارشناسی برابر با ۶۵/۶ و در بین افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری برابر با ۷۳ می‌باشد. از سوی دیگر میانگین انزوای اجتماعی در بین زنان ۶۶/۹۲ و در بین مردان برابر با ۶۶/۵۱ است که در مورد میانگین انزوای اجتماعی در بین زنان و مردان با مقاطع تحصیلی مختلف در جدول (۴) به تفکیک تشریح شده است.

جدول (۷): تحلیل واریانس دوطرفه میزان انزوای اجتماعی بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات

مقدار F	سطح معناداری (Sig)	درجه‌ی آزادی Df	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۰/۹۹۹	۱	۰/۰۰۱	جنسیت
۵/۶۹	۰/۰۰۰	۴	۴۹۳۶	سطح تحصیلات
۳/۷۷	۰/۰۴۲	۴	۶۷۱	سطح تحصیلات و جنسیت

بنابراین با افزایش سطح تحصیلات، انزوای اجتماعی کاهش شدیدی پیدا می‌کند که این رابطه در سطح معناداری (۰/۰۰۱) بوده است و با تفکیک جنسیت در بین زنان و مردان در همان سطح معناداری باقی می‌ماند؛ به عبارتی با افزایش سطح تحصیلات زنان و مردان، انزوای اجتماعی آنها کاهش پیدا می‌کند بنابراین، این فرضیه که افزایش سطح تحصیلات باعث کاهش تفاوت‌های انزوای مردان و زنان می‌شود، نیز تأیید می‌شود زیرا اثر متقابل مقاطع تحصیلی و جنسیت بر میزان انزوای اجتماعی معنادار شده است (در سطح ۰/۰۵ معناداری). پس نتیجه گرفته می‌شود که تحصیلات عامل تخفیف تفاوت‌های انزوای اجتماعی میان زنان و مردان است نه تشدید تفاوت‌های آنان.

- فرضیه‌ی ششم: با افزایش سن، زنان بیشتر از مردان منزوی می‌شوند.

بر اساس همبستگی پیرسون، رابطه‌ی معناداری بین سن و انزوای اجتماعی مشاهده نشده است و بین این دو متغیر رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. همچنین با تفکیک جنسیت این رابطه نیز مورد آزمون قرار گرفت که فاقد رابطه‌ی معناداری است، بنابراین، این فرضیه پژوهش تأیید نگردید.

جدول (۸): همبستگی بین سن و انزوای اجتماعی با تفکیک جنسیت

انزوای اجتماعی (کل مؤلفه‌ها)		متغیر مستقل
سطح معناداری	میزان همبستگی پیرسون	متغیر وابسته
۰/۲۳۵	۰/۰۸۹	مردان
۰/۶۷۳	۰/۰۳۹	زنان

مجموع (زنان و مردان)	-۰/۰۴۸	۰/۴۰۷
----------------------	--------	-------

- فرضیه‌ی هفتم: تفاوت انزوای اجتماعی زنان و مردان با شاغل شدن کاهش می‌یابد.

نتایج به دست آمده در مورد تفاوت وضعیت‌های اشتغال درباره‌ی انزوای اجتماعی مبین آن است که میانگین انزوای اجتماعی افراد بیکار، خانه‌دار و بازنشسته برابر با ۶۳/۱۲، در بین افراد شاغل ۶۶/۹ و در بین افراد محصل و دانشجو برابر با ۶۹/۳ است. از سوی دیگر میانگین انزوای اجتماعی در بین زنان ۶۶/۹۲ و در بین مردان برابر با ۶۶/۵۱ است که در مورد میانگین انزوای اجتماعی در بین زنان و مردان با وضعیت‌های اشتغال در جدول (۱۰) به تفکیک ترسیم شده است.

جدول (۹): تحلیل واریانس دوطرفه‌ی میزان انزوای اجتماعی بر حسب جنسیت و وضعیت اشتغال

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی Df	سطح معناداری (Sig)	مقدار F
جنسیت	۲۷/۸۱	۱	۰/۷۲۵	۰/۱۲۴
وضعیت اشتغال	۱۵۸۰	۲	۰/۰۳۱	۳/۵۱
وضعیت اشتغال و جنسیت	۲۰۹	۲	۰/۶۲۹	۰/۴۶

جدول (۱۰): نتایج آزمون L.S.D وضعیت اشتغال زنان و مردان در مورد انزوای اجتماعی

میانگین	مردان			زنان			L.S.D
	محصل، دانشجو	شاغل	بیکار، خانه‌دار، بازنشسته	محصل، دانشجو	شاغل	بیکار، خانه‌دار، بازنشسته	
۶۱/۳۳	S= ۰/۰۳	S= ۰/۳۱	S= ۰/۳۷	S= ۰/۳۶	S= ۰/۰۴	-	بیکار، خانه-دار، بازنشسته
۶۷/۵	S= ۰/۹۶	S= ۰/۷	S= ۰/۵۴	S= ۰/۸۷	-	M=۶/۱۷	شاغل
۶۸	S=۰/۲۵	S= ۰/۲۳	S=۰/۰۸	-	M=۰/۴۹	M=-۶/۶	محصل، دانشجو
۶۳/۴۵	S=۰/۰۰	S=۰/۵۵	-	M=۴/۵	M=۳/۶	M=۲/۱	مردان بیکار، خانه-

							دار، بازنشسته
۶۵/۴۵	S=۰/۱۷	-	M=-۲	M=۲/۵	M=۱/۶	M=۴/۲	شاغل
۷۰/۱۱	-	M=-۴/۶	M=-۶/۶	M=۱/۸	M=۳/۶	M=۵/۷۵	محصل، دانشجو

تفاوت میانگین میزان M= سطح معناداری S=

یافته‌های به دست آمده درباره‌ی تفاوت وضعیت اشتغال بر میزان انزوای اجتماعی حاکی از آن است که آماره‌ی f برابر با $f = ۳/۵۱$ و در سطح $۰/۰۵$ معنادار است بنابراین، بین میزان انزوای اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال (شاغل، غیرشاغل، محصل) تفاوت معناداری وجود دارد اما با اثر متقابل وضعیت اشتغال و جنسیت بر میزان انزوای اجتماعی نتیجه‌ی آن معنادار نشده است. برای مقایسه‌ی میانگین انزوای این سه وضعیت شغلی، بر حسب جنسیت از آزمون L.S.D در جدول (۱۰) استفاده گردید تا مطالب وضوح بیشتری یابد.

استفاده از آزمون L.S.D در این باره، بیانگر آن است که میزان تفاوت میانگین‌های هر یک از وضعیت اشتغال (M) نسبت به هم و همچنین سطح معناداری (S) هر یک را نشان می‌دهد که بر مبنای آنچه از جدول (۸) حاصل شده است، نشان‌دهنده‌ی میزان تفاوت میانگین افراد بیکار، خانه‌دار، بازنشسته (مرد یا زن) با دانشجو و محصل از لحاظ میزان روابط اجتماعی است و همچنین میان زنان بیکار، خانه‌دار، بازنشسته با زنان دانشجو و خانه‌دار از لحاظ انزوای اجتماعی در سطح ۹۵ درصد اطمینان، تفاوت معناداری وجود دارد. نکته‌ی مهمی که در جدول به وضوح دیده می‌شود زنان و مردان دانشجو بیشترین روابط اجتماعی و کمترین انزوای اجتماعی را داشته‌اند اما در بین وضعیت شغلی خاصی، تفاوت معناداری در بین زنان و مردان دیده نشده است بلکه دانشجو، شاغل یا خانه‌دار و بیکار بودن وضعیت انزوای اجتماعی و روابط آنان را شکل داده است بنابراین فرضیه‌ی مذکور تأیید می‌شود و این نگرش نظریه‌پردازان که معتقدند وضعیت اجتماعی افراد تعیین‌کننده‌ی خصلت روابط بین آنهاست، تأیید می‌شود.

۳- روابط چند متغیری

در این بخش با استفاده از رگرسیون چند متغیری با روش گام به گام^۱ به پیش بینی و تبیین متغیر وابسته بر اساس مجموع متغیرهای مستقل پرداخته شده است. در این مرحله، تأثیر متغیرهای جنسیت و متغیرهای جمعیت‌شناختی به عنوان متغیرهای مستقل، بر هر یک از ابعاد انزوای اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در جدول (۱۱)، توصیف نتایج آن آورده شده است. در جدول (۱۱)، نتایج رگرسیون اندازه‌ی شبکه نشان می‌دهد که از بین متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل که در یک مدل وارد معادله شدند، تنها متغیر تحصیلات در معادله باقی مانده و متغیرهای دیگر مثل جنسیت، سن و وضعیت تأهل از معادله خارج شدند که ضرایب رگرسیون (Beta) متغیر سطح تحصیلات ۱۵ درصد بوده است که میزان آن را در تبیین متغیر وابسته نشان می‌دهد. این مدل فقط ۲ درصد از واریانس متغیر اندازه‌ی شبکه را تبیین می‌کند که سهم اندکی از واریانس است ($R^2=0.02$). رگرسیون متغیر تنوع شبکه‌ی روابط نشان می‌دهد که در این مدل نیز متغیر جنسیت به متغیر سطح تحصیلات افزوده شده است که به ترتیب، جنسیت و تحصیلات دارای سهم $0/19-$ و $0/26$ در تبیین متغیر تنوع روابط بوده‌اند. بر این اساس سطح تحصیلات افراد سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته دارد و سهم جنسیت منفی و معکوس است. یعنی مردان تنوع بیشتری در شبکه‌ی روابط دارند. این مدل ۱۱ درصد از واریانس متغیر تنوع رابطه را تبیین می‌کند که سهم مهمی از واریانس است ($R^2=0.11$).

نتایج در رگرسیون متغیر منابع موجود در شبکه‌ی روابط، نشان داد که از بین متغیرهای زمینه‌ای و جنسیت، تنها جنسیت در معادله باقی مانده است. طبق معادله‌ی رگرسیون، زنان نسبت به مردان در رابطه بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرند که میزان سهم ضرایب رگرسیون ۱۲ درصد است. این مدل فقط ۲ درصد از واریانس متغیر تنوع رابطه را تبیین می‌کند که سهم ناچیزی از واریانس است ($R^2=0.02$).

جدول شماره (۱۱): رگرسیون متغیرهای مستقل بر مؤلفه‌های انزوای اجتماعی

میزان حمایت موجود در شبکه		تنوع در شبکه‌ی روابط		اندازه‌ی شبکه		متغیر وابسته
معناداری	Beta	معناداری	Beta	معناداری	Beta	متغیر مستقل
۰/۰۲۵	۰/۱۲۹	۰/۰۰۱	-۰/۱۹۱	۰/۴۱	۰/۰۴	جنسیت
۰/۰۸	۰/۱۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	۰/۰۱	۰/۱۵۵	سطح تحصیلات
۰/۱۲۹		۰/۳۳۷		۰/۱۴۹		ضریب همبستگی چندگانه (R)
۰/۰۱۷		۰/۱۱۴		۰/۰۲۲		ضریب تعیین (R2)
۰/۰۱۳		۰/۱۰۲		۰/۰۱۹		ضریب تعیین تعدیل یافته (R2.adj)
۶/۹۴		۵/۵۵		۹/۴۰		خطای معیار
۰/۰۲۵		۰/۰۰۰		۰/۰۱		معناداری. sig

معادله‌ی تأثیر متغیر جنسیت، سن، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل بر متغیر انزوای اجتماعی در جدول شماره‌ی (۱۲) به دست آمده است که نشان می‌دهد سطح تحصیلات و وضع تأهل به ترتیب با سهم ۰/۲۶ و -۰/۱۶ متغیر انزوای اجتماعی مردان را تبیین می‌کند. بر این اساس سطح تحصیلات افراد سهم بیشتری در تبیین متغیر وابسته دارد و سهم وضعیت تأهل، منفی و معکوس است. یعنی مردان متأهل نسبت به مردان مجرد انزوای اجتماعی بیشتری دارند ولی در میان زنان این نسبت معنادار نیست. این مدل ۱۴ درصد از واریانس متغیر انزوای اجتماعی مردان را تبیین می‌کند که سهم مهمی از واریانس است ($R^2=0.14$).

بر مبنای یافته‌های پژوهش، تنها متغیر سطح تحصیلات با سهم ۲۰ درصد در تبیین متغیر انزوای اجتماعی زنان نقش داشته است یعنی زنان با سطح تحصیلات بالا دارای انزوای کمتری هستند و این سهم تقریباً با مردان همسان است بنابراین سطح تحصیلات و دانشجو بودن، یکی از متغیرها برای تشابه‌سازی شبکه‌ی روابط زنان و مردان است. این

مدل فقط ۹ درصد از واریانس متغیر انزوای اجتماعی زنان را تبیین می‌کند که سهم ناچیزی از واریانس است ($R^2=0.09$). بر مبنای یافته‌های پژوهش، تنها متغیر سطح تحصیلات با سهم ۲۸ درصد در تبیین متغیر انزوای اجتماعی مؤثر بوده است یعنی افراد با سطح تحصیلات بالا بدون توجه به جنسیت دارای انزوای کمتری هستند. این مدل فقط ۱۱ درصد از واریانس متغیر انزوای اجتماعی را تبیین می‌کند ($R^2=0.11$). جدول شماره (۱۲): رگرسیون انزوای اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تفکیک جنسیت

انزوای اجتماعی (مجموع ابعاد)						متغیر وابسته
کل (زنان و مردان)		زنان		مردان		
معناداری	Beta	معناداری	Beta	معناداری	Beta	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۲۴۲	۰/۰۲۳	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۲۶۲	سطح تحصیلات
۰/۴۹۷	-۰/۰۴۱	۰/۱۶۲	۰/۱۶۲	۰/۰۲۱	-۰/۱۶۶	وضع تأهل
۰/۲۸۲		۰/۲۰۸		۰/۳۲۳		ضریب همبستگی چندگانه (R)
۰/۱۱		۰/۰۹۳		۰/۱۴		ضریب تعیین (R ²)
۰/۰۵۶		۰/۰۳۵		۰/۰۹		ضریب تعیین تعدیل یافته (R ² .adj)
۱۴/۶۹		۱۵/۴۵		۱۴/۰۷		خطای معیار
۰/۰۰۰		۰/۰۲۳		۰/۰۲۱		معناداری. sig

نتیجه‌گیری:

کاهش روابط اجتماعی به عنوان یکی از مقوله‌های سرمایه‌ی اجتماعی، همواره مورد توجه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی واقع شده است. از جمله مقولاتی که در تقسیمات اجتماعی، عمدتاً به نابرابری منتهی می‌شود جنسیت است که موجبات تفکیک افراد در دو عرصه‌ی جداگانه را فراهم می‌آورد. در این تفکیک جنسیتی، زنان به عنوان افراد

آسیب‌پذیر و فرودست معرفی می‌شوند و در حاشیه قرار می‌گیرند. زنان غالباً در حوزه‌ی خصوصی و خانواده، مسؤول مراقبت‌های عاطفی و امور خانگی معرفی می‌شوند و مردان در عرصه‌ی عمومی، کار و سیاست فعال هستند و تحت حمایت حوزه‌ی خصوصی قرار می‌گیرند. عامل جنسیت که می‌تواند زمینه‌ی نابرابری و تبعیض در عرصه‌های گوناگون فراهم آورد، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در گزارش توسعه‌ی انسانی، ایران در نابرابری جنسیتی به عنوان رتبه‌ی ۹۸ با ضریب نابرابری ۰/۶۷۴ معرفی شده است. توجه به این وضعیت از دو جهت دارای اهمیت است چرا که از طرفی کشورهایی مانند هلند، دانمارک و سوئد دارای کمترین نابرابری جنسیتی با ضریب حدود ۰/۱۷۴ مشاهده می‌شوند و از طرف دیگر حتی در جوامعی که به نظر می‌رسد در فرهنگ، مذهب و جغرافیا شبیه به کشور ما باشند، کشورهایمانند امارات (رتبه ۴۵)، بحرین (رتبه ۵۵) و اردن (رتبه ۷۶) وجود دارند. بالا رفتن رتبه، حاکی از نابرابری بیشتر میان مردان و زنان در آن جوامع است. با توجه به اهمیت موضوع و لزوم تلاش برای شناخت و کاهش نابرابری، این مقاله با محوریت تبیین نابرابری جنسیتی به مفهوم انزوای اجتماعی و عوامل تشدیدکننده‌ی آن پرداخته است. با توجه به ویژگی‌های شهر تهران، به نظر می‌رسد انزوای اجتماعی، بر حسب تفاوت‌های جنسیتی، ما را به شناخت بهتر هدایت خواهد نمود زیرا مطابق با نظریه‌ی شبکه در جوامع شهری، شبکه‌ی روابط حجیم‌تر ولی دوام آن کمتر است و منابع موجود در آن کمتر است، اما با توجه به اینکه تهران از مدرنترین شهرهای ایران است نابرابری جنسیتی در آن به نظر می‌رسد (در نسبت با دیگر شهرهای ایران) به حداقل برسد (امیر کافی، ۱۳۸۳، ۷۵).

تفکیک در حوزه‌ی عمومی، فرصت و شانس دست‌یابی به پیوندهای متنوع و برقراری ارتباط با افراد مختلف را از زنان می‌گیرد و از طرف دیگر تفکرات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه و فرهنگ که نقش مادری و خانه‌داری را نقش اولیه و مسؤولیت عمده‌ی زنان می‌شمرد، موجب شده تا زنان نتوانند در صحنه‌های مختلف

جامعه و فعالیت‌های اجتماعی به طور فعال حاضر شوند و از بسیاری فرصت‌ها محروم بمانند. این تفکیک‌ها و نابرابری‌های جنسیتی بین زنان و مردان در عضویت ارتباطی و اجتماعات فردی آنان نیز تأثیر می‌گذارد و زنان و مردان را به شبکه‌های اجتماعی متفاوت و نوع متفاوت از روابط سوق می‌دهد. بدین‌سان هدف از پژوهش حاضر تفاوت زنان و مردان از لحاظ انزوای اجتماعی بوده و عوامل تشدید این همسانی و تفاوت را در ویژگی‌هایی چون سن، وضعیت تأهل، اشتغال و سطح تحصیلات در نظر می‌گیرد. روش تحقیق از نوع روش پیمایشی بوده که از بین ۲۲ منطقه‌ی تهران، ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه برای آزمون آن انتخاب شده‌اند. بین روابط اجتماعی زنان و مردان از نظر اندازه‌ی شبکه‌ی روابط اجتماعی (تعداد دوستان) تفاوت معناداری وجود ندارد زیرا فراهم شدن شرایط تحصیل مدرن در خارج از خانه و ایجاد مشاغل و نیز گذراندن اوقات فراغت در بیرون از خانه و سپس اشکال مدرن‌تر فعالیت‌های داوطلبانه، فرصتی برای ظهور کاهش نابرابری در شبکه‌ی دوستان در زندگی زنان ایرانی به وجود آورده که باعث عدم تفاوت معنادار نسبت دوستان در بین مردان و زنان شده است؛ به عبارتی دیگر اگر خصلت جوامع شهری مدرن کاهش تفاوت بین زنان و مردان باشد، شهر تهران به معنای واقعی به یک شهر مدرن شباهت پیدا کرده است، از این نظر، نتایج این تحقیق با پژوهش باستانی و صالحی هیکویی (۱۳۸۶)، و مور (۱۹۹۰) مبنی بر اینکه شبکه‌های زنان و مردان از نظر دامنه (اندازه و تنوع شبکه) تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با هم ندارند، همسوست.

جامعه‌شناسان معتقدند تفاوت تمایل زنان و مردان بیش از آن که ذاتی باشد ناشی از تأثیرات ساختار اجتماعی است. ساختار اجتماعی، فرصت‌ها و شانس‌های برخورد و ارتباط با دیگران را در اختیار کنشگران قرار می‌دهد و این فرصت‌ها برای زنان در نسبت با مردان در شهر تهران نابرابر بوده است که این عدم تنوع روابط برای زنان نسبت به مردان، به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، عدم امنیت اجتماعی، بچه‌داری و روابط بیشتر در چهارچوب خویشاوندی بوده است. چنین خصلتی به زنان امکان نمی‌دهد که همانند مردان راحت جذب روابط اجتماعی متعدد شوند. زنان و مردان از لحاظ میزان منابع

موجود در شبکه دارای تفاوت معناداری بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان در شبکه‌ی روابط دوستانه‌ی خود مورد حمایت قرار می‌گیرند و در این مقیاس زنان انزوای اجتماعی کمتری نسبت به مردان دارند؛ زیرا زنان بیشتر با دوستان خود همدردی می‌کنند، بیشتر وسایل خود را به امانت می‌دهند، به خانه‌ی دوستان صمیمی خود بیشتر رفت و آمد می‌کنند و بیشتر از دوستان خود مشورت می‌گیرند که در مقایسه با پیشینه‌ی تحقیق، مور (۱۹۹۰) نیز نشان داد شبکه‌های مردان رسمی‌تر از شبکه‌های زنان است و شامل همکاران و دوستان است در حالی که شبکه‌های زنان بیشتر شامل ارتباطات فامیلی، همسایگی و خانوادگی است.

همچنین بین میزان انزوای اجتماعی بر حسب وضع تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد. بدین صورت که متأهل‌ها بیشتر از مجردها منزوی هستند که نتیجه‌ی پژوهش ابراهیمی مقدم (۱۳۸۱) را مبنی بر اینکه بین وضع تأهل و انزوای اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد، نقض می‌کند. این نتیجه همچنین برخلاف بسیاری از نظریه‌هاست که معتقدند مجردها بیشتر منزوی هستند. شاید به این دلیل باشد که در جامعه‌ی ما افراد متأهل به نسبت مجردها مشغله‌ی کاری و خانوادگی بیشتری دارند و در نتیجه کمتر با دیگران در ارتباط هستند. البته با ازدواج کردن، فرد از منابع حمایتی بیشتری برخوردار است ولی از لحاظ تنوع روابط و اندازه‌ی شبکه‌ی دوستانه در سطح ضعیفی قرار می‌گیرند. نکته‌ی جالب توجه این است با ورود متغیر جنسیت به این تفاوت‌ها، وضعیت تأهل در زنان تفاوتی از لحاظ انزواگرینی ایجاد نکرده است. برخلاف نظریه‌ی فمینیست‌ها، مردان با ازدواج کردن، انزوای اجتماعی بیشتر و از تنوع روابط اجتماعی کمتری برخوردار خواهند شد ولی با ازدواج زنان، روابط اجتماعی و انزوای آنان چندان تغییری نمی‌کند. هر چند میزان انزوای آنها بیشتر می‌شود؛ اما این تفاوت در میان مردان بسیار دیده می‌شود که به نظر می‌رسد به دلیل شرایط سخت اقتصادی و مسؤلیت بیشتر مردان در برابر خانواده بعد از ازدواج (نسبت به دوره‌ی مجردی) است. همچنین با افزایش سطح تحصیلات، انزوای اجتماعی کاهش شدیدی پیدا می‌کند و با

تفکیک جنسیت در بین زنان و مردان در همان سطح معناداری باقی می‌ماند؛ به عبارتی زنان و مردان با افزایش سطح تحصیلاتشان، انزوای اجتماعی‌شان کاهش پیدا می‌کند پس نتیجه گرفته می‌شود که تحصیلات عامل تخفیف تفاوت‌های انزوای اجتماعی میان زنان و مردان است نه تشدید تفاوت‌های آنان.

همچنین در مورد رابطه‌ی سن و انزوای اجتماعی، نتایج نشان می‌دهد که رابطه‌ی معناداری بین سن و انزوای اجتماعی مشاهده نشده است و این رابطه با تفکیک جنسیت نیز فاقد رابطه‌ی معنادار است. بحث پیرامون رابطه‌ی وضعیت شغلی و انزوای اجتماعی مبین آن است که میزان انزوای اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال (شاغل، غیرشاغل، محصل) تفاوت معناداری پیدا می‌کند. زنان و مردان دانشجوی و محصل بیشترین روابط اجتماعی و کمترین انزوای اجتماعی را داشته‌اند اما در بین وضعیت شغلی خاص، تفاوت معناداری در بین زنان و مردان دیده نشده است بلکه دانشجوی، شاغل یا خانه‌دار و بیکار بودن، وضعیت انزوای اجتماعی و روابط آنان را شکل داده است بنابراین نتایج نگرش نظریه‌پردازانی را که معتقدند وضعیت اجتماعی تعیین‌کننده‌ی خصلت روابط آنهاست تأیید می‌کند.

طبق نتایج به دست آمده، جنسیت با برخی از مؤلفه‌های انزوای اجتماعی رابطه‌ی معناداری داشته و با شاخص کل انزوای اجتماعی که از مجموع این مؤلفه‌ها به دست آمده، رابطه‌ی معناداری را نشان نمی‌دهد. با توجه به این نکته، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضع تأهل (دانشجو بودن، تحصیلات بالا و مجرد بودن) عوامل مؤثری بر کاهش انزوای اجتماعی بودند زیرا طبق یافته‌های پژوهش، زنان و مردان در موقعیت‌ها و سمت‌های مشابه، میزان انزوای مشابهی داشته‌اند؛ از جمله‌ی این موقعیت‌ها: وضعیت اشتغال، سن، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل است. می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت فی نفسه تفاوت به لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی بین زنان و مردان ایجاد نمی‌کند، بلکه موقعیت‌ها یا به عبارتی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به لحاظ جنسیت برای فرد ایجاد می‌گردد از اهمیت برخوردار است. در جامعه‌ای که در آن تفکیک و نابرابری جنسیتی از

خانواده گرفته تا مدرسه و نظام شغلی و فرهنگ و... وجود داشته باشد و تبعیض جنسیتی عمدتاً علیه زنان اعمال گردد، بدیهی است که فرصت‌ها و امکانات نیز به طور نابرابر توزیع می‌شود و زنان از بسیاری فرصت‌ها در جامعه محروم می‌گردند. موقعیت‌هایی که نظام شغلی و بازار کار برای مردان فراهم می‌کند، زنان را از بسیاری فعالیت‌های اجتماعی محروم کرده و یا به حاشیه رانده است. اگرچه امروزه شاهد حضور فعال‌تر زنان در فعالیت‌های اجتماعی و تا حدی سیاسی هستیم، اما هنوز رگه‌هایی از تبعیض جنسیتی میان زنان و مردان در نوع مشاغل و اهمیت آن مشاهده می‌گردد. از سوی دیگر مادری و تربیت فرزندان، مهم‌ترین وظایف زن محسوب می‌شوند؛ که این امر فعالیت اجتماعی زنان را محدود کرده و آنان را به حوزه‌ی خصوصی می‌راند. محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی گسترده و ممانعت همسران از ورود زن به عرصه‌ی اجتماع، عواملی هستند که شبکه‌های زنان و مردان یا به عبارتی انزوای اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر جامعه‌ای امکانات و فرصت‌های برابری را بین زنان و مردان توزیع کند و در حوزه‌های مختلف بدون توجه به جنسیت فرد و بر مبنای توانایی و شایستگی‌های فردی عمل کند، ما شاهد شبکه‌ی روابط و انزوای اجتماعی یکسانی بین زنان و مردان خواهیم بود.

منابع:

- آبرکرابی، نیکلاس. (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن پریان، انتشارات چاپخش.
- ابراهیمی مقدمیان، محمود. (۱۳۸۱). «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر انزوای جوانان شهر همدان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما، مهدی ادیبی سده، دانشگاه اصفهان.
- آزادار مکی، تقی. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی خانواده‌ی ایرانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- اکبری، حسین. (۱۳۹۰). شناسایی وضعیت و ابعاد هویت اجتماعی شهروندان تهرانی و راه‌های ارتقای آن، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۳). «طراحی الگوی جامعه‌شناختی انزوای اجتماعی در شهر تهران»، رساله‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- باستانی، سوسن؛ صالحی هیکویی، مریم. (۱۳۸۶). «سرمایه‌ی اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه‌ی اجتماعی زنان و مردان در تهران»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۳۰، صص ۶۳-۹۵.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سیف‌زاده، علی؛ حقیقتیان، منصور؛ مهاجرانی، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). رابطه انزوای اجتماعی و سلامت در سالمندان تهرانی، مجله‌ی آموزش و سلامت جامعه، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی سوم، صص ۲۸-۲۰.
- کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات، پایان هزاره، ترجمه‌ی احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- گرت، استفانی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه‌ی کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر، چاپ اول.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی، منوچهر؛ دوران، بهزاد؛ سهرابی، محمدهادی. (۱۳۸۵). «بررسی اثرات استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی کاربران اینترنت (در میان کاربران کافی‌نت‌های تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۶.
- محمدی جو، امیر. (۱۳۹۲). نقش اینترنت بر انزوای اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، فصلنامه‌س مطالعات رسانه‌ای، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی ۲۲، صص ۲۷-۳۸.
- مدرسی یزدی، فائزه السادات؛ فرهمند، مهناز؛ افشانی، سید علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی انزوای اجتماعی دختران مجرد و عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه‌ی دختران مجرد بالای ۳۰ سال شهر یزد)، فصلنامه‌ی مسائل اجتماعی ایران، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱، ۱۲۱-۱۴۳.
- Bester.G, Budhal.R.S(2001),”Social isolation : a learning obstacle in the primary school”, South African Journal of Education, 21(4)
- -Bryan, Laura(2001) "The role of network support and interference in women’s perception of romantic, friendly, and parental relationships (Statistical Data Included)", Sex Roles, a Journal of Research.
- Kurtosi, Z. (2004) “Aspects of Gender in Social Network”, Social Identity, Information and Markets. Proceeding of Faculty of Economics and Business Administration.
- Moore, G. (1990) “Structural Determinants of Men’s and Women’s Personal Network”, American Sociological Review, vol. 55, 726-735.
- Van Baarsen, Berna, Tom A. B. Snijders, Johannes H. Smit, and Marijtje A. J. Van Duijn (2001). “Lonely But Not Alone: Emotional Isolation and Social Isolation as Two Distinct Dimensions of Loneliness in Older People”, Educational and Psychological Measurement.